

محمد حسین کشمیری (قله خوشنویسان کشمیر)

حمید رضا قلیچ‌خانی*

درآمد

کتابت و خوشنویسی از سپیده دم دوره اسلامی به جهت پاسداری از قرآن کریم، بسیار مورد توجه قرار گرفت و کاتبان مسلمان به ارجمندترین جایگاه اجتماعی دست یافتند. خوشنویسی تنها هنری است که سلسله شاگردی و استادی آن را به ائمه اطهار^(ع) رسانده و از آن با عنوان «هنر مقدس» یاد کرده‌اند.

با ورود مسلمانان به شبه قاره هند و گسترش فرهنگ اسلامی در آن سرزمین، ایرانیان توانستند بیش از دیگر همسایگان بر هنر خوشنویسی هند تأثیرگذار باشند. از جمله عوامل اصلی این تأثیر، همسایگی و نفوذ شگرف زبان و ادب فارسی در شبه قاره بوده است.

پژوهشگران برآنند که ایرانیان بیش از اعراب در تداوم و ارتقای خطوط اسلامی کوشیده‌اند، چنانکه ابن مقله شیرازی (۳۲۸-۲۷۲ ق) را نخستین استادی دانسته‌اند که خطوط ششگانه (نسخ، ثلث، رقاع، توقیع، محقق و ریحان) را از کوفی استخراج و قانونمند کرد.^۱

* دانشجوی دکتری گروه فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. رسالتی در خوشنویسی، ص ۱۸.

همچنین در کتاب «مناقب هنروران» عالی افندی، به معرفی خط و خوشنویسی در نزد عثمانیان پرداخته است و جالب است که در آن کتاب نیز، شمار خوشنویسان ایرانی بیش از ترکان و اعراب است.

اوج مهاجرت نستعلیق نویسان ایرانی به هند در سده یازدهم هجری بود.

کتابت به شکل کاربردی خط در تهیه و تولید نسخه‌های خطی گفته می‌شود که این مهم از سده‌های نخستین ورود مسلمانان به شبه قاره آغاز شد و با ورود عارفان و ایرانیان اهل فرهنگ،

سامان فراوانی یافت. نسخه‌های خطی بازمانده از کاتبان شبه قاره نشان‌دهنده این نکته است که دسته اصلی آنها را متون عرفانی، ادبی و تاریخی تشکیل داده است.

هرچند که از سده چهارم تا ششم هجری کتیبه‌ها و کتاب‌هایی به زبان عربی در دست است و از سده ششم هجری به بعد نیز آثار فراوانی به زبان فارسی در شبه قاره یافت می‌شود اما جنبه هنری خوشنویسی از آغاز حکومت بابر (۹۳۲ ق) تا پایان سلطنت شاهجهان (۱۰۶۸ ق) به کمال گرایید و کیفیت آثار خوشنویسی شبه قاره در سده یازدهم هجری با آثار نظیر خود در ایران به برابری رسید.

خوشنویسی (calligraphy)، جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه خط و تهیه کتاب‌ها و مرقعات نفیس را گویند که از سده دهم هجری و با گسترش خط نستعلیق، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و تا اواخر سده یازدهم هجری به اوج شکوفایی رسید. گسترش خوشنویسی در هند با تکامل و اوج یافتن خط نستعلیق در هرات و اصفهان، همخوانی داشت. از اواسط سده دهم هجری مهاجرت شاعران و خوشنویسان ایرانی به شبه قاره نمود روشن‌تری یافت. معزالدین محمد حسینی (زنده در ۹۹۰ ق) که از استادان زبردست خط نستعلیق بود در نیمه دوم سده دهم هجری به هند مهاجرت کرد. همایون پسر بابر پس از اقامت در دربار صفوی و آشنایی بیشتر با فرهنگ و هنر ایران، هنگام بازگشت به وطن، هنرمندانی را همراه با خود برد. در آن میان خوشنویسانی چون محمد مؤمن قزوینی و به‌گمان بسیار، سلطان بایزید دوری عازم هند شدند. سلطان بایزید از سوی اکبر پادشاه به خطاب «کاتب‌الملک» سرافراز گشت؛ با این حال، اوج مهاجرت نستعلیق‌نویسان ایرانی به هند در سده یازدهم هجری بود.

محمد حسین کشمیری

از جمله خوشنویسان هندی که به رقابت با هنروران ایرانی پرداخت، محمد حسین کشمیری (ف: ۱۰۲۰ ق/ ۱۶۱۱ م) بود. محمد حسین از قله‌های خط نستعلیق شبه قاره و از نظر سبک و عیار خوشنویسی تنها هنرمندی است که به پایۀ نستعلیق‌نویسان طراز اول همچون میر علی کاتب هروی رسیده است. وی از اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) لقب «زرّین قلم» گرفت و گاه در آثار خود از عنوان «اکبر شاهی» بهره جست. پس از آن در آثاری که در دوره جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) کتابت کرد نیز از لقب «جهانگیری» و «جهانگیر شاهی» بهره‌مند گشت و بسیار مورد توجه این دو پادشاه بود. ابوالفضل علمای در آیین اکبری وی را «جادو رقم» خوانده است:

«... خاصه نستعلیق روایی دیگر یافت و جادو رقمی که در ظل سریر خلافت صاحب این نقش دلپذیر توان گفت محمد حسین کشمیری ست و به خطاب زرّین قلمی روشناس آفاق، شاگرد مولانا عبدالعزیز، از استاد گذرانیده، مدّات و دواپر او متناسب همنند و کارآگاهان او را به پایۀ میر علی [کاتب هروی] برگیرند...»^۱

و جهانگیر نیز در جهانگیرنامه یا توزک جهانگیری چندین بار از وی نام برده است^۲ تا اندازه‌ای که کتابت مقدمه نفیس‌ترین مرقع آن زمان، یعنی مرقع جهانگیری (مرقع گلشن) و به گمان بسیار، گردآوری و گزینش قطعات آن نیز به‌وی سپرده شد؛ چرا که بیشتر آثار این مرقع شامل قطعاتی از میر علی کاتب است، همان هنرمندی که محمد حسین کشمیری سبک وی را پسندیده و بر آن بوده که پیرو همان مکتب هنری باشد. محمد حسین سبک اصیل نستعلیق را که پس از میر علی تبریزی (ف: ۸۰۳ ق)، توسط جعفر تبریزی، اظهر تبریزی و سلطان علی مشهدی طی شده و به میر علی هروی (ف: ۹۵۱ ق) رسیده بود، دنبال کرد و به زیبایی هرچه تمام‌تر رساند. همین روند را علی رضا تبریزی (عبّاسی) در اصفهان پی گرفت و به نهایت رساند.

۱. آیین اکبری، ص ۹۳.

۲. توزک جهانگیری، ص ۵۳ و ۹۱.

محمد حسین همدوره چند استاد طراز اول خط نستعلیق در اواخر سده دهم و اوایل یازدهم است، همچون: میر عماد قزوینی، علی رضا تبریزی و خلیل الله حسینی (ملقب به پادشاه قلم) و از نظر تاریخی در دوره‌ای می‌زیست که نستعلیق در حال رسیدن به نهایت تناسب و زیبایی خود بود. گفتنی است که پس از میر عماد (ف: ۱۰۲۴ ق)، شاگردان و پیروان وی، کمال این خط را در آثار وی جستجو کردند و کمتر به تغییر و خلاقیت اندیشیدند. عبدالرشید دیلمی (ف: ۱۰۸۱ ق) که از شاگردان ممتاز میر عماد بود به هند مهاجرت کرد و در دربار شاهجهان به تدریس شاهزادگان پرداخت. چنانکه در تذکره خوشنویسان (غلام محمد هفت قلمی دهلوی) می‌بینیم، از آن پس عیار هنری خوشنویسان هند با آثار عبدالرشید سنجیده می‌شد و همین نکته سبب گشت تا هنرشناسان هندی، محمد حسین کشمیری را چنانکه شایسته اوست، نشناسند.

محمد حسین اگرچه به دقت و درستی از آثار میر علی کاتب هروی مشق کرده و پیرو سبک اوست اما شاگرد حضوری وی نبوده است. می‌دانیم که میر علی از سال ۹۳۵ ق به اجبار به بخارا برده شد و تا هنگام درگذشت (ف: ۹۵۱ ق) در آنجا بود و از نظر زمانی در این هنگام یعنی پیش از سال ۹۵۱ ق امکان شاگردی محمد حسین در بخارا بسیار دور از ذهن است؛ زیرا وی در ۱۰۲۰ ق درگذشته و در صورتی می‌توانسته به محضر میر علی راه یابد که بیش از هشتاد سال زیسته باشد. گروهی وی را شاگرد عبدالعزیز دانسته‌اند و در این صورت وی از نظر مهارت و شهرت، از استادش بسی پیشی گرفته است. از شاگردان وی به حسین کشمیری و محمد مراد زرین قلم، محمد علی (پسرش) می‌توان اشاره کرد.

آثار بر جای مانده

بی‌شک محمد حسین آثار بسیاری را در عرصه کتابت و کتیبه‌نگاری نگاشته است که از آن میان شمار اندکی در دسترس و انبوهی نیز از میان رفته است. از جمله کتیبه سنگی که جهانگیر از آن را در کتاب تاریخ جهانگیری یاد کرده است. این کتیبه در واقع سنگ مزاری بوده به خط محمد حسین که در کنار مناره‌ای در جهانگیرپور بر سر قبر

آهویی که مورد توجه جهانگیر بوده نصب شده بود. در برخی از آثار نیز امکان رقم زدن وجود نداشته است و تنها با جستجو در کتاب‌های تاریخی و تذکره‌ها و دیگر

اسناد می‌توان به وجود آنها پی برد. از این رو بسیاری از کتیبه‌های بازمانده در بناهای سلطنتی آگرا نیز به قلم وی است، از جمله کتیبه‌های تخت سنگی جهانگیر و سنگ‌آبه‌ای در قلعه آگرا که از نظر عیار خط نستعلیق، نمی‌تواند از کسی جز وی باشد.

از آثار از میان رفته که بگذریم، کتابت‌های رقم‌دار وی به این قرار است:

جنبه هنری خوشنویسی از آغاز حکومت بابر (۹۳۲ ق) تا پایان سلطنت شاهجهان (۱۰۶۸ ق) به کمال گرایید و کیفیت آثار خوشنویسی شبه قاره در سده یازدهم هجری با آثار نظیر خود در ایران به برابری رسید.

۱. **شش قطعه در مرقع گلشن:** این مرقع، نفیس‌ترین مرقع موجود در ایران است

که اینک در کتابخانه کاخ موزه گلستان تهران نگهداری می‌گردد. به گمان این مرقع در حمله نادرشاه به دهلی، به غنیمت گرفته شده و پس از آن به کتابخانه مبارکه شاهنشاهی وارد شده و مهر دوره ولیعهدی ناصرالدین را در سال ۱۲۶۳ ق/۱۸۴۷ م. دارد. این مرقع در آغاز به دستور جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) در سال ۱۰۱۹ ق/۱۶۱۰ م تهیه گردید و در صفحه‌ای از آن آمده است:

این مرقع که بتوفیق اله صورت آرای شد از لوح و قلم رشک گلزار ارم تاریخش چهره‌پرداز خرد کرد رقم

العبد محمد حسین زرین قلم جهانگیر شاهی ۱۰۱۹

محمد حسین در صفحه‌ای دیگر بنا به دستور جهانگیر، قطعه‌ای را که به تاریخ ۹۵۸ ق توسط خوشنویس دیگری نوشته شده بود، در ۱۰۱۷ ق نقل کرده است: «تحریرا فی نهم محرّم الحرام سنه ۹۵۸ بموجب حکم اقدس کمترین بنده‌ها محمد حسین زرین قلم».

بهترین و با عیارترین آثار محمد حسین در همین مرقع برجای مانده است.

اهمیت این مرقع تا اندازه‌ای بوده که جهانگیر خود در ۲۷ ربیع‌الاول ۱۰۱۹ ق بیتی درباره‌اش سروده است:

”... برای امتیاز این مرّقع پادشاهی یادگار خاصهٔ مطّلعی به‌خاطر مبارک ما گذشته...“

این مرّقع شده ز لطفِ اله از جهانگیر شاهِ اکبر شاه^۱

و پس از آن نیز در مجلسِ ۶ ربیع‌الآخر همان سال آمده است:

”چند مجلس تصویر از مرّقع گرامی به‌نظرِ حضرت اقدس درمی‌آوردند و نزاکت‌های خط و بوالعجبی‌های تصویر و نادره کاری‌های بی‌نظیرانِ روزگار و استادانِ یگانهٔ ایران و توران و فرنگستان و روم و هندوستان در محفلِ عالی مذکور می‌شد. چند مجلس تصویر برآمد که مُزدِ هر موضع، حضرتِ عرش آشیانی هزار رویه عنایت فرموده بودند...“^۲

به‌گمان بسیار، بخش دیگری نیز در دورهٔ شاهجهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ ق) به‌آن افزوده و یا نزدیک به‌همان قطع و شکل، مرّقع دیگری تهیه شده است چراکه کلیم همدانی (۱۰۶۱-۹۹۰ ق) در توصیف این اثر، چنین سروده است:

چندین هزار نقش بدیع انتخاب کرد دوران که شد مرّقع شاهجهانش نام
تاریخ شد «مرّقع بی‌مثل و بی‌بدل» چون این سواد گلشن فردوس شد تمام
و تاریخ اتمام آن را سال ۱۰۴۶ ق/۱۶۳۶ م یاد کرده است.^۳

این مرّقع ۲۶۲ صفحه دارد و دو صفحه، دو صفحه مزین به‌قطعه‌های خوشنویسی و نگارگری است. هرچند که در حاشیهٔ قطعه‌های خوشنویسی، سبک نگارگری هند و ایرانی آشکارا دیده می‌شود، جالب است که برخلاف نگارگری‌های، در متن آثار خوشنویسی، اثری از استادان هندی و یا سبک خوشنویسی هندی به‌چشم نمی‌خورد و به‌گمان بسیار این نکته از سلیقهٔ محمد حسین کشمیری (ف: ۱۰۲۰ ق) که کاتب مقدمهٔ مرّقع بوده، برخاسته باشد. این مرّقع بالغ بر صد قطعه از میر علی کاتب (از سال ۹۲۸ تا ۹۵۱ ق) را داراست و

۱. مجالس جهانگیری، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۵۳.

۳. دیوان کلیم، ص ۱۲۸.

قطعه‌هایی نیز از نستعلیق‌نویسان شهیر ایرانی از جمله: جعفرالکاتب [تبریزی]، اظهرالکاتب [تبریزی]، سلطان علی مشهدی و عبدالرحیم عنبرین قلم در آن وجود دارد.

محمد حسین سبک اصیل نستعلیق را که پس از میر علی تبریزی (ف: ۸۰۳ ق)، توسط جعفر تبریزی، اظهر تبریزی و سلطان علی مشهدی طی شده و به میر علی هروی (ف: ۹۵۱ ق) رسیده بود، دنبال کرد و به زیبایی هرچه تمام‌تر رساند.

رقم‌های وی در این مرقع از این قرار است:

- بنده کمترین محمد حسین کشمیری تحریر نمود؛
- کشمیری به تاریخ سنه سه موافق سنه ۱۰۱۷ بقلم شکسته رقم نقل نمود؛

- کمترین بنده‌ها محمد حسین زرین قلم کشمیری سنه سه موافق سنه ۱۰۱۷؛
 - العبد المذنب الفقیر محمد حسین جهانگیرشاهی فی سنه هزار و هجده.
۲. شش دفتر مثنوی مولوی: در کتابخانه ملی ملک، تهران؛ به خط نستعلیق میرزا جان محمد و محمد حسین زرین قلم اکبرشاهی کشمیری، ۳۵۵ برگ، ۲۱ سطری.
۳. **لوايح جامی**: ۱۳۸ صفحه، ۱۴ در ۲۴ سانتی‌متر در مرکز میکروفیلم نور، دهلی. انجامه: «... تمت علی ید اقل العباد محمد حسین الکشمیری غفرالله ذنوبه». این نسخه اگرچه تاریخ کتابت ندارد، اما از آثار دوره پختگی وی است و به گمان پس از سال ۱۰۱۰ ق تحریر شده باشد.
۴. **مفردات**: نستعلیق میر علی تبریزی در مجموعه دکتر بیانی، تهران. انجامه: «بتاریخ سنه نهصد و نود اواخر ذی‌قعدة بنده فقیر محمد حسین کشمیری بقلم شکسته رقم مرقوم ساخت».
۵. **گلستان سعدی**: در انجمن سلطنتی آسیایی (Royal Asiatic Society)، لندن: این نسخه در سال ۹۹۰ ق. کتابت شده است و در صفحه انجامه آن، تصویری از محمد حسین کشمیری و منوهر (فرزند Basawan) به دست منوهر نگارگری شده است.

- انجامه: «کتابه العبد المذنب الفقیر محمد حسین الکشمیری غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه فی شهور سنه تسعین و تسعمائه ببلده فتحپور».
۶. دیوان حسن دهلوی: به شماره ۱۳۲ در کتابخانه خدابخش در شهر پتنه، به سال ۱۰۱۰ ق.
- انجامه: «کتابخانه نواب قبله گاهی... شیخ فرید بخاری... کمینه کمترین محمد حسین کشمیری سنه عشر و الف».
۷. منتخبی از اخلاق جلالی اثر بهرام بن حیدر مهماندار در کتابخانه مجلس شورا، تهران.
- انجامه: «کتابه العبد المذنب الفقیر محمد حسین الکشمیری غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه هزار و ۱۳».
- این نسخه در سال ۱۰۱۳ ق به خط نستعلیق کتابت شده و عیار آن به رقعها و قطعات وی نمی‌رسد.
۸. دیوان حافظ در کتابخانه بنیاد خاورشناسی فرهنگستان تفلیس، تفلیس؛ در محرم سال ۱۰۱۷ ق به خط نستعلیق کتابت شده است.
۹. آیین اکبری در موزه انگلیس (British Museum)، لندن.
۱۰. هفت بند کاشی در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگر.
۱۱. ده‌ها قطعه و چلیپا در موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی هند، ایران و دیگر کشورها. وی در این آثار از رقم‌های زیر استفاده کرده است:
- محمد حسین کاتب؛
 - محمد حسین زرین قلم؛
 - الفقیر محمد حسین فی شهور سنه ۹۹۹؛
 - کتابه العبد المذنب الحقییر محمد حسین غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه والسلام فی سنه الف؛
 - کتابه العبد المفتقر الی رحمه الله محمد حسین زرین قلم غفرله سنه هزار و چهار؛
 - بنده بی‌بضاعت و بی‌استطاعت محمد حسین کاتب بجهت نواب قبله‌گاهی اقبال آثاری حکیم همام سلمه الله و ابقاه تحریر نمود فی شهور سنه ۹۹۸؛

- تحریراً فی شہور سنہ ثمان و تسعین و تسعمائہ کتبہ محمد حسین الکاتب؛
- العبد المذنب الفقیر محمد حسین زرین قلم اکبر شاہی در سال سی جلوس
جہانگیری مشق نمود؛

محمد حسین از قلم‌های خط
نستعلیق شبه قارہ و از نظر سبک
و عیار خوشنویسی تنها هنرمندی
است کہ به پایہ نستعلیق‌نویسان
طراز اول همچون میر علی کاتب
هروی رسیده است. وی از اکبر
شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) لقب
«زرین قلم» گرفت.

- العبد محمد حسین کشمیری زرین
قلم؛
- کتبہ العبد المذنب الفقیر محمد
حسین الکاتب کشمیری؛
- مشقہ المذنب الفقیر محمد حسین
کشمیری غفرالله ذنوبہ و ستر الله
عیوبہ؛
- الفقیر محمد حسین کشمیری سنہ
۹۸۸؛

- کتبہ العبد محمد حسین زرین قلم جہانگیر شاہی؛
- الفقیر محمد حسین کشمیری غفرله؛
- کتبہ العبد المذنب الفقیر محمد حسین زرین قلم اکبر شاہی؛
- العبد المذنب الفقیر محمد حسین کشمیری سترالله عیوبہ؛
- الفقیر محمد حسین زرین قلم اکبر شاہی؛
- الفقیر محمد حسین الکاتب سترالله عیوبہ؛

کتابنامہ

۱. ابوالفضل علّامی، آیین اکبری، به تصحیح سر سید احمد، دانشگاه اسلامی علیگر، ۲۰۰۵ م.
۲. بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۳. جہانگیر، نورالدین محمد، جہانگیرنامہ (توزک جہانگیری)، به کوشش محمد هاشم،
تهران، ۱۳۵۹ ش.
۴. حاج سید جوادی، سید کمال، میراث جاودان (سنگ نبشته‌ها و کتیبه‌های فارسی در
پاکستان در دو جلد)، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، اسلام‌آباد،
۱۳۷۰ ش.

۵. حکمت، علی اصغر، نقش پارسی بر احجار هند، تهران، ۱۳۳۷ ش.
 ۶. ربّانی، احمد، مقالات مولوی محمد شفیع (راجع به هنروران و خط و خطاطان)، لاهور.
 ۷. سخنرانیهای نخستین سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه قاره (ج ۱)، اسلام‌آباد، ۱۳۷۲ ش/۱۹۹۳ م.
 ۸. سید عبدالله، ادبیات فارسی در میان هندوان، ترجمه محمد اسلم خان، تهران، موقوفات افشار، ۱۳۷۱ ش.
 ۹. عبدالستار بن قاسم لاهوری، مجالس جهانگیری، به تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
 ۱۰. قلیچ‌خانی، حمید رضا، رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، روزنه، ۱۳۷۳ ش.
 ۱۱. قلیچ‌خانی، حمید رضا، فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی، روزنه، (چ ۲)، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۲. کلیم همدانی، دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، تهران، ۱۳۶۹ ش.
 ۱۳. محمود، سید فیاض و سید وزیرالحسن عابدی، تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند (۱۷۰۷ تا ۱۹۷۲ م)، تهران، ۱۳۸۰ ش.
 ۱۴. نوشاهی، عارف، بایزید دوری هروی، مقالات عارف، تهران، ۱۳۸۱ ش.
 ۱۵. نهاوندی، عبدالباقی، مآثر رحیمی، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
 ۱۶. هفت قلمی دهلوی، غلام محمد، تذکره خوشنویسان، به تصحیح محمد هدایت حسن، کلکته، ۱۳۲۸ ق/۱۹۱۰ م.
17. *Catalogue of Arabic and Persian Manuscripts in the Oriental Public Library at (Bankipore) Patna, Patna, 1961.*
 18. S.P. Verma, *Portraits of the Calligraphers Depicted in the Mughul Miniatures: A Historical Study*, Islamic Culture (1980):173-186.



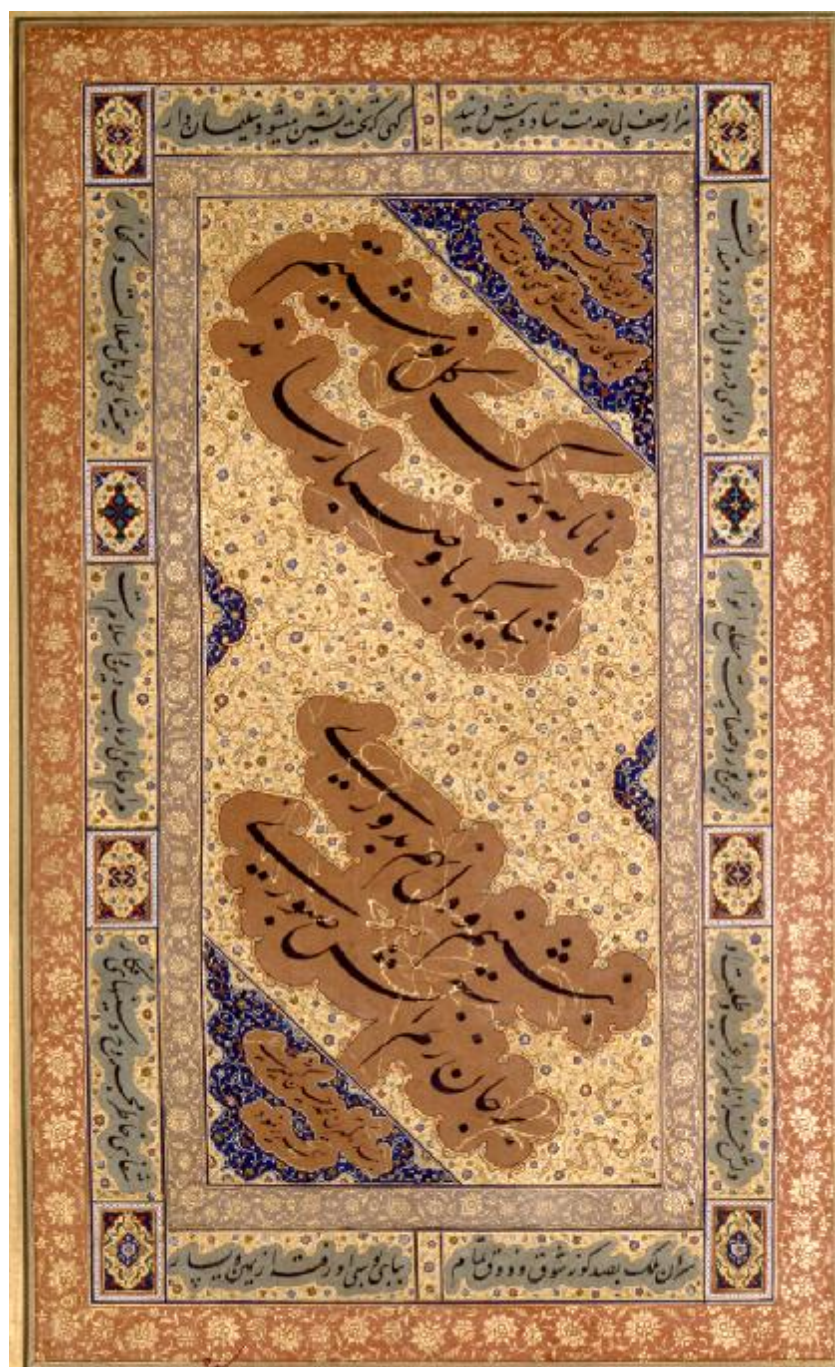
صفحة آغازِ منتخب اخلاق جلالی، ۱۰۱۳ ق، کتابخانه مجلس شورا، تهران



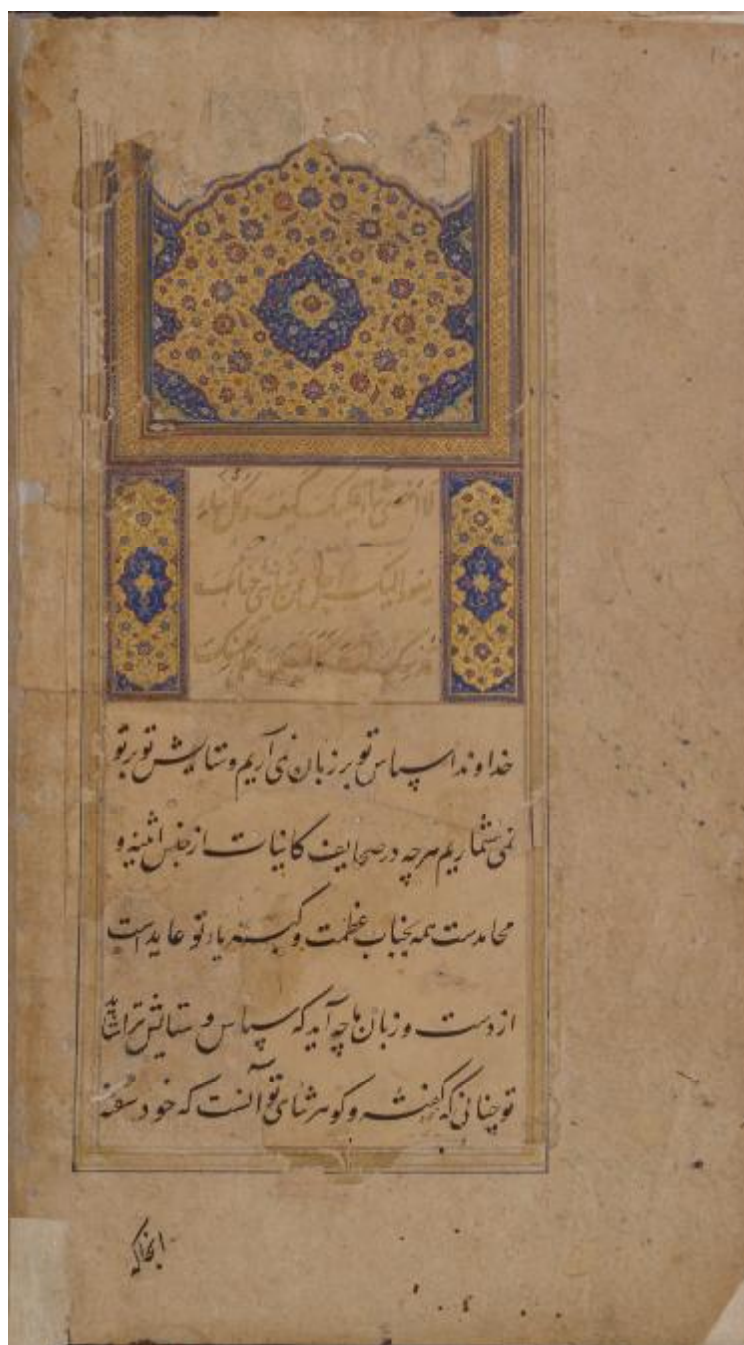
انجامه منتخب اخلاق جلالی، ۱۰۱۳ ق، کتابخانه مجلس شورا، تهران



برگی از مرقع گلشن، ۱۰۱۷ ق، کتابخانه کاخ گلستان، تهران



برگی از مرقع گلشن، چلیپای نستعلیق، کتابخانه کاخ گلستان، تهران



صفحه آغاز لوائح جامی، مرکز میکروفیلم نور، دهلی

وزوجه ذکر جمله مضامینست بحق
 چون مقصود ازین عبارت و مطلوب ازین
 اشارات تنبیه بود بر احاطه ذات حق سبحانه و تعالی
 و سیربان نور او در جمع مراتب وجود تا ساکنان آگاه
 و طالبان صاحب ابتناء بشود هیچ ذات از مشاهد
 جمال ذات او ذایل نشوند و بطریق صفت از مطلق
 کمال صفات او غافل نگردند و آنچه مذکور شد در اداء
 این مقصود کافی بود و در بیان این مطلوب وافی لاجرم
 برین قدر اقتصار افتاد و درین چند ربلمی اقتصار کرده

صفحه‌ای از لوائح جامی، کتابت نستعلیق، مرکز میکروفیلم نور، دهلی